



Impact of International Custom on the Social Responsibility of Oil Companies

Rasool Bahrampoori¹ , Fatemeh Ghaemkhah² 

1. Corresponding author; Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: r.bahrampoori@usc.ac.ir

2. MA. in Oil and Gas Law, Department of Oil and Gas Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. Email: shimaghaemkhah@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
7 January 2025

final revision received:
16 February 2025

accepted:

3 March 2025

published online:

15 March 2025

Keywords:

Bilateral investment treaties, International trade custom, Material element, Oil contracts, Spiritual element

Abstract

Similar to advanced domestic legal systems where custom is recognized as a source of law, at the international level, custom has historically been acknowledged as a vital, living source of influence. This study investigates the role of international custom in shaping the social responsibility of oil companies and whether it has significantly contributed to the development of international law. Using bibliographic and analytical-descriptive methods, it was found that corporate social responsibility (CSR) has gained attention among companies as a means to promote globalization and enhance corporate values. However, in practice, the absence of a moral component in customary law has limited its role in establishing binding rules. Current practices among business partners, host governments, and other stakeholders focus on social commitments, progressing toward international recognition, legal formalization, and enforcement mechanisms. Despite the limited and non-mandatory nature of CSR clauses in oil contracts and bilateral investment treaties, there is an increasing need for innovative tools to regulate corporate behavior in commercial relations. This would help establish clearer norms and ensure the responsible conduct of oil companies globally.

Cite this article: Bahrampoori, Rasool; Ghaemkhah, Fatemeh (2025) "Impact of International Custom on the Social Responsibility of Oil Companies" *Energy Law Studies*, 10 (2): 195 – 226. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2025.388365.576>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

Introduction

International custom has long been recognized as a primary source of law, complementing treaties and general principles in both domestic and international legal systems. In the context of the oil industry, multinational corporations are increasingly expected to integrate corporate social responsibility (CSR) into their operations. CSR has become central to corporate strategies, reflecting ethical considerations, public expectations, and the need to enhance corporate reputations globally. The influence of international custom on CSR is multifaceted. While treaties and contracts provide formal legal obligations, customary practices shape the norms and expectations that guide corporate behavior. In the oil sector, these customs emerge from repeated practices among companies, host governments, and other stakeholders, creating an informal yet influential framework. The study focuses on how these customs affect CSR, examining whether they contribute to the development of recognized international norms. Although CSR is widely promoted, its enforceability remains limited due to the absence of a binding moral or legal component within customary law. Nevertheless, companies adopt CSR practices to meet social expectations, foster goodwill, and maintain competitive advantage. This study investigates these dynamics, aiming to clarify the role of international custom in establishing normative expectations and supporting responsible corporate conduct in the global oil industry.

Method

Documents and literature were selected based on their relevance to CSR in the oil industry. The sample includes analyses of oil contracts containing CSR clauses, bilateral investment treaties referencing social responsibilities, and legal commentary on the evolution of international customary law. Selection criteria focused on sources that illustrate the application of custom in guiding corporate behavior. Priority was given to materials that provide insight into recurring practices, expectations, and the integration of social responsibility within contractual and legal frameworks. This approach ensures that the study captures a comprehensive view of CSR practices influenced by international custom.

Conclusions

The study concludes that international custom serves as a significant, though non-binding, influence on CSR practices in the oil industry. Companies increasingly adopt CSR measures in response to normative expectations, stakeholder demands, and the desire to enhance corporate reputation. However, the absence of a fully developed moral or enforceable component in customary law limits its capacity to establish binding obligations. While practices are observable, the belief in their obligatory nature remains underdeveloped, reducing the enforceability of CSR norms. Integrating CSR into contracts, treaties, and formal legal instruments could strengthen accountability and ensure consistent corporate behavior. Overall, international custom functions as a guiding framework for socially responsible conduct rather than a mandatory legal tool. The study underscores the potential of customary practices to influence corporate behavior and highlights the need for continued development of mechanisms that formalize CSR obligations within the global oil sector.



امکان‌سنجی شکل‌گیری و اثرگذاری عرف بین‌المللی در مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی

رسول بهرامپوری^۱، فاطمه قائم‌خواه^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. رایانامه:

r.bahrampoori@usc.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق نفت و گاز، گروه حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

رایانامه: shimaghaemkhah@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۲۵

کلید واژه‌ها:

رکن مادی، رکن معنوی، عرف تجاری بین‌المللی، قراردادهای نفتی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری.

همانند نظام‌های حقوقی پیشرفته داخلی که در آن‌ها عرف یکی از منابع حقوق و تکالیف تلقی می‌شود، در سطح بین‌المللی، دست‌کم تا به امروز، عرف به‌عنوان منبعی زنده و تأثیرگذار شناخته شده است. در مقاله پیش‌رو این پرسش اساسی مطرح است که نقش عرف بین‌الملل در شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی چه اندازه است و آیا توانسته در تدوین و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل نقش بسزایی داشته باشد؟ با گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی این نتیجه به‌دست آمد که مسئولیت اجتماعی شرکتی برای جهانی‌شدن و ارتقای ارزش‌های شرکت، موردتوجه شرکت‌های تجاری قرار گرفته است؛ اما درعمل به دلیل نبود رکن معنوی عرف نتوانسته است در ایجاد یک قاعده عرفی نقش بسزایی داشته باشد. همه رویه‌های جاری میان شرکای تجاری، دولت‌های سرمایه‌پذیر و سایر ذی‌نفعان در راستای ایفای تعهدات اجتماعی قرار داشته و در مسیر بین‌المللی‌شدن، قانونی‌شدن و بهره‌مندی از ضمانت‌اجراهای مقتضی گام برمی‌دارد و به نظر می‌رسد باوجود شروط محدود و ماهیت غیرالزام‌آور قراردادی مرتبط با مسئولیت اجتماعی در قراردادهای نفتی و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری امروزه در روابط تجاری، به ابزارهای نوینی برای قاعده‌مندسازی عملکرد شرکت‌های نفتی نیاز است.

استناد: بهرامپوری، رسول؛ قائم‌خواه، فاطمه (۱۴۰۳). «امکان‌سنجی شکل‌گیری و اثرگذاری عرف بین‌المللی در مسئولیت اجتماعی

شرکت‌های نفتی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۱۰ (۲)، ۲۲۶-۱۹۵.

<http://doi.org/10.22059/JRELS.2025.388365.576>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



مقدمه

در عصر حاضر، تبیین و تدوین مقررات، باتوجه به گسترش ارتباطات بین‌المللی و توسعه جوامع، دیگر در انحصار دولت‌ها نبوده و باتوجه به توسعه روابط تجاری فراملی و تأثیرگذاری شرکت‌ها و سایر نهادهای غیردولتی در عرصه حقوق بین‌الملل، موازینی که توسط این اشخاص وضع می‌شود، از مشروعیت و قابلیت اجرا برخوردار می‌گردد. حال آن که وجود تعهداتی از جنس مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی که ماهیتی داوطلبانه و خیرخواهانه دارند، به‌خودی‌خود موجب تشکیل یک عرف تجاری بین‌المللی در صنعت نفت‌وگاز نشده‌اند. تحلیل اقدامات شرکت‌های پیشرو در صنعت نفت در راستای افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی حاکی از آن است که در شرایط کنونی، عنصر مادی در ایجاد و تکوین عرف در متن قراردادهای نفتی به‌روشنی نمایان است.

باوجوداین، عنصر معنوی عرف که موجب ایجاد الزام می‌گردد، هنوز به‌نحو کامل شکل نگرفته است. دراین‌راستا، برخی دولت‌ها از طریق درج شروط قراردادی محدود در قراردادهای نفتی، به‌دنبال سازماندهی و ایجاد نوع جدیدی از تعهدات مسئولانه برای شرکت‌های نفتی به‌منظور ایفای مسئولیت اجتماعی شرکتی بوده‌اند. مسئولیت اجتماعی شرکتی در مسیر تکامل و تبدیل‌شدن به یک عرف تجاری قرار گرفته و آنچه در عمل دیده شده، عبارت است از رویه‌های جاری میان شرکت‌های فراملی در چهارچوب قراردادها و روابط آن‌ها با سایر ذی‌نفعان، ازجمله دولت‌های سرمایه‌پذیر که این مفهوم رفته‌رفته به‌سوی جهانی‌شدن، قانونمندی و برخورداری از ضمانت‌اجراهای حقوقی حرکت می‌کند.

از حیث پیشینه، گفتنی است که در برخی کتاب‌ها و مقالات، به موضوع مسئولیت اجتماعی شرکتی و همچنین توسعه پایدار پرداخته شده است، ازجمله کتاب «مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران» نوشته سید/میر طالبیان که به بررسی کلیات مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت نفت ایران و اقدامات انجام‌شده به‌عنوان اولین تلاش‌های اساسی در حوزه وزارت نفت می‌پردازد و همچنین صدیقه آزادی‌بخت در پایان‌نامه «مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل»، به تبیین جایگاه شرکت‌های فراملی و شرکت‌های دولتی-داخلی و عمل به مسئولیت اجتماعی آن‌ها پرداخته است و افزون‌برآن، حسین حاجیانی در مقاله «مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفت‌وگاز»، به بررسی سه حیطه حقوقی که باعث جلوه‌گر شدن انواع مختلف مسئولیت می‌شود، ازجمله حقوق بشر، حقوق کار و حقوق محیط‌زیست پرداخته و بیان داشته است که بهره‌برداری از تأسیسات بزرگ صنعتی همانند صنعت نفت‌وگاز بدون توجه به مسائل ناشی از آن در گذشته انجام می‌شده و امروزه بایستی با اقدامات پیشگیرانه مانع از ایجاد خسارت‌های بیشتر شد. نصرالله/ابراهیمی و نسیم شعبانی در مقاله

«تحلیل حقوقی بُعد اقتصادی قراردادهای جدید نفت‌وگاز ایران (آی.پی.سی) از منظر توسعه پایدار»، به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا مفاد قراردادهای جدید نفتی در بُعد اقتصادی که یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار شمرده می‌شود، شاخص‌های کلی توسعه پایدار را رعایت کرده است یا خیر. همچنین مرجان فاضلی در رساله دکتری با عنوان «جایگاه حقوقی اصل توسعه پایدار در قراردادهای بالادستی نفت»، به بررسی درجه الزام‌آوری اصل توسعه پایدار در قراردادهای نفتی در پرتو قوانین حاکم بر قرارداد، شروط قراردادی طرفین و تصمیمات مراجع حل اختلاف پرداخته است. مقاله پیش‌رو، خلأهای پژوهش‌های پیشین درخصوص نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی شرکتی و امکان‌سنجی شکل‌گیری، نقش‌آفرینی و اثرگذاری عرف بین‌المللی بر ایجاد این مسئولیت برای شرکت‌های نفتی را مورد بررسی قرار داده و به نقش عرف بین‌المللی (که در آثار پیشین به تفصیل بررسی نشده) پرداخته است.

بنابراین در این پژوهش، ارتباط و قابلیت عرف در شکل‌گیری یک نهاد حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، با مروری بر مبانی نظری عرف، ارکان آن و جایگاه عرف تجاری، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجزای آن در این چهارچوب حقوقی تحلیل شده است.

۱. مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی و سیر تحول تاریخی آن

به‌طورکلی، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دو دیدگاه تکوینی و غیرکلاسیک مطرح شده است (امیری، ۱۳۹۶: ۶۹). این مسئولیت به‌معنای تعهد مؤسسات خصوصی به پرهیز از ایجاد آثار منفی بر جامعه‌ای است که در آن فعالیت دارند (براتلو، ۱۳۸۶: ۴۴). تعریف مسئولیت اجتماعی باید به‌گونه‌ای انجام شود که تمامی معیارهای مرتبط با آن را دربرگرفته و با مقتضیات و نیازهای جوامع معاصر همسو و سازگار باشد (Donaldson, 1992: 136). مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌عنوان تعهدی فراحقوقی تعریف شده است که مستلزم پاسخگویی شرکت‌ها در قبال تعهدات اجتماعی، سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی، برقراری تعامل مؤثر با نهادهای حامی حقوق بشر و مشارکت فعال در ایجاد آینده‌ای پایدار برای جامعه، به‌ویژه در راستای حفظ و ارتقای محیط‌زیست است. در این چهارچوب، شرکت‌های تجاری، فراتر از حداقل الزامات قانونی، به‌صورت داوطلبانه در مسیر رفع نیازهای اجتماعی گام برداشته و اقدامات خود را با ملاحظات اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در قبال ذی‌نفعان هماهنگ ساخته است (Archie, 1999: 3).

۱.۱. پیشینه مسئولیت اجتماعی شرکتی در جهان

پیشینه تاریخی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که در آن توجه مدیران شرکت‌ها معطوف به اتخاذ سیاست‌هایی شد که ضمن تأمین منافع اقتصادی،

موجبات ارتقای جایگاه اجتماعی و تعالی عمومی را نیز فراهم آورد. در این راستا، یکی از چالش‌های اساسی، نبود اتفاق نظر درباره تعریف و ماهیت حقوقی مسئولیت اجتماعی شرکتی بود که مانع از توجه کافی به ابعاد و الزامات آن شد.

در سال ۱۹۷۰، اندیشمندانی همچون *کارول* به تبیین ابعاد و مؤلفه‌های اساسی این مفهوم پرداختند و چهارچوب نظری آن را توسعه دادند. در ادامه این روند، استفاده از چهارچوب مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت نفت و گاز عمده‌تر از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد؛ دوره‌ای که فشار ناشی از فجايع زیست‌محیطی و افشاگری‌های رسانه‌ای، توجه شرکت‌های بزرگ نفتی را به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی جلب کرد. در دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه در سال ۱۹۹۸، شرکت *شل* به‌عنوان نخستین شرکت بزرگ بین‌المللی، گزارش مسئولیت اجتماعی شرکتی خود را منتشر کرد و بدین ترتیب، زمینه تثبیت و نهادینه‌سازی این مفهوم را در نظام حقوقی و تجاری بین‌المللی فراهم ساخت (طهماسبی، ۱۳۸۹: ۸). سپس با وقوع آلودگی گسترده نفتی و رسوایی در نیجریه^۱، شرکت *شل* ناگزیر به بازنگری رفتاری و اهمیت‌دادن بیشتر به مسئولیت اجتماعی گردید (Wellink, 2014: 4). در سال ۱۹۹۲، در کنگره جهانی محیط‌زیست که در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد، بحث‌های گسترده‌ای در زمینه مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار سازمان‌ها مطرح گردید. این مباحث موجب تدوین معیارهای بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکتی شد و در نهایت به صدور *اعلامیه ریو* انجامید^۲. سازمان ایزو در سال ۲۰۰۴، پس از برگزاری اجلاس بین‌المللی مسئولیت اجتماعی، کارگروهی را به منظور تهیه پیش‌نویس اولیه معیارهای بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تشکیل داد. فعالیت‌های این کارگروه به ایجاد استاندارد ایزو ۲۰۰۶ انجامید که توسط کمیته ایزو/تی‌ام‌بی تهیه و تدوین شد^۳. در سال ۲۰۱۰ نیز که نشت چهار میلیون بشکه نفت در خلیج مکزیک رخ داد^۴، شرکت *بریتیش پترولیوم*^۵ مجبور به پرداخت استانداردهای مالی و اجرای بازسازی‌های زیست‌محیطی شد که تأثیر عمیقی بر صنعت نفت و مسئولیت اجتماعی آن برجای گذاشت و شرکت‌هایی مانند *توتال*^۶ و *شورون*^۷ نیز تحت تأثیر فشار عمومی و دولتی، فعالیت‌های عملیاتی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا اعمال کرده‌اند. این چهارچوب‌ها شامل حفاظت از سلامت محیطی، احترام به حقوق بشر و اجرای پروژه‌های توسعه پایدار بوده‌اند (Kaufman, 2014: 10).

1. Ogoni

۲. اعلامیه ریو یک چهارچوب و تقسیم‌بندی معاهداتی درباره تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی مجهز ساختن امکانات زیست‌محیطی است.

3. ISO/TMB

4. Deepwater Horizon

5. British Petroleum

6. Total

7. Chevron

2: 2010). امروزه، دستورالعمل‌های متعددی درخصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در سطح بین‌المللی تهیه و تصویب شده است و هم‌اکنون واحدهایی با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت» در بیشتر شرکت‌های بزرگ جهانی به‌منظور نظارت و اجرای این اصول وجود دارد (آزادبخت، ۱۳۹۷: ۴۴).

یکی از اندیشه‌های مطرح در حقوق بین‌الملل، «اصل توسعه پایدار» است که توسط برخی نویسندگان به‌معنای توسعه‌ای تعریف شده است که در عین برآوردن نیازهای فعلی کشور، ظرفیت نسل‌های آتی را نیز تضمین کرده و متضمن حفظ تعادل میان رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و مراقبت از محیط‌زیست است (ابراهیمی و شعبانی، ۱۴۰۳: ۶۶) و این اصل بر این مبنا استوار است که نباید به نفت صرفاً به‌عنوان ابزاری برای درآمد دولت‌ها نگریسته شود، بلکه همزمان باید در کنار درآمدزایی دولت، ملاحظات مربوط به رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست را نیز در نظر داشت. یکی از ابزارهای دولت‌ها برای ملحوظ نظر قرار دادن «اصل توسعه پایدار»، درج شروط مرتبط با این اصل در قراردادهاست که شرایطی درباره مالیات، الزامات زیست‌محیطی، الزامات توان دخی، انتقال فناوری و توسعه جوامع محلی بیان می‌شود. این واقعیت انکارناپذیر است که در کشورهای درحال توسعه، عموماً از نظام قراردادی در بخش نفت استفاده شده و قوانین به‌تفصیل درباره «اصل توسعه پایدار» و جایگاه آن صراحت نداشته‌اند. براین‌اساس، اگرچه قانون حاکم می‌تواند مکملی برای اجرای اصل توسعه پایدار در قراردادهای باشد، اما شروط قراردادی جایگاه منحصربه‌فردی در این عرصه داشته (فاضلی، ۱۳۹۸: ۷۳) و ضعف قدرت مذاکره دولت نباید سبب شود که از درج الزامات مرتبط با «اصل توسعه پایدار» در قراردادهای چشم‌پوشی کند.

رابطه میان مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار، پیوندی چندگانه است که یک بُعد آن در قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها، جنبه دیگری از آن در سیاست‌های سازمانی و بخشی از آن در اقدامات عملی در صنعت نفت مشاهده می‌شود و به‌طورکلی، می‌توان گفت که الزامات مرتبط با مسئولیت اجتماعی، با هدف رسیدن به توسعه پایدار است و درواقع مسئولیت اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای تحقق توسعه پایدار تعریف می‌شود و عمل به مسئولیت اجتماعی با رعایت مسائل پیرامونی همانند شفافیت در تخصیص منابع، رسیدن به توسعه پایدار را سرعت می‌بخشد. بدین‌ترتیب، توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی پیوندی نزدیک داشته و در برخی موارد مکمل یکدیگرند. این تأثیر مستقیم مسئولیت اجتماعی بر توسعه پایدار در ابلاغیه «نظام‌نامه مسئولیت اجتماعی صنعت نفت» مصوب ۱۴۰۲ نیز دیده می‌شود که در بند ۳-۲ بیان داشته است که مسئولیت اجتماعی صنعت نفت، مسئولیتی است که طبق آن شرکت‌ها یا سازمان‌های فعال در این صنعت، افزون بر وظایف سازمانی، از طریق رفتار پیشگیرانه و اصلاحی به مدیریت آثار و

پیامدهای ناشی از تصمیم‌ها یا فعالیت‌های خود در قبال ذی‌نفعان می‌پردازند و به تحقق «توسعه پایدار» در چهارچوب این نظام‌نامه کمک می‌کنند.

به‌طور کلی، درباره مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار می‌توان رابطه دوسویه‌ای را شناسایی کرد که ازسویی، شرکت‌های نفتی باتوجه به فعالیت‌های سودآور خود، بایستی به اجتماع انسانی پیرامونی و محیط‌زیست محل فعالیت خود توجه لازم را داشته باشند و ازدیگرسو، یکی از راه‌های ایجاد مقبولیت و پذیرش برای این شرکت‌ها در محل فعالیت خود (از حیث جذب ذی‌نفعان مختلف)، توجه آن‌ها به ایفای مسئولیت اجتماعی و تلاش برای تحقق توسعه پایدار است.

۲.۱. پیشینه مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران

در مناطق نفتی ایران، انواع مختلفی از دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دیده شده است. زمانی که برای نخستین بار نفت در مسجدسلیمان فوران کرد، بهره‌برداری از منابع نفتی ایران از تاریخ پنجم خردادماه ۱۳۸۷ شمسی آغاز گردید. از آن زمان به بعد، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای نفت‌خیز شناخته شده و این امر منجر به دگرگونی‌های عمده‌ای در تاریخ، سیاست، اقتصاد و اجتماع کشور شد. در این دوره، نگرش شرکت‌های نفتی عمده‌تأ درون‌گرا بوده و توجه چندانی به آثار زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های خود نداشتند (فضلی، ۱۳۹۵: ۱۶).

در سال ۱۳۸۸ شمسی، با تکمیل خطوط لوله از مسجدسلیمان به آبادان، دوره سوددهی شرکت نفت ایران و انگلیس آغاز شد. در پی این تحول، شرکت مذکور به انجام مجموعه‌ای از اقدامات رفاهی برای کارکنان خود و همچنین اهالی مناطق عملیاتی دست زد. این اقدامات شامل ساختن باشگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، لوله‌کشی آب، کشیدن خطوط برق، احداث استخر و سینما در مناطق مختلف کشور بود که اگرچه کارکنان این شرکت نیز از آن‌ها استفاده می‌کردند، اما استفاده اصلی و مستقیم این موارد (به‌ویژه مدارس و بیمارستان‌ها)، توسط اهالی مناطق عملیاتی انجام گردید. این اقدامات از نگاه امروزی می‌توانند نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی شرکتی قلمداد شوند که هدف آن‌ها نه تنها رفاه کارکنان، بلکه بهبود کیفیت زندگی عمومی در مناطق عملیاتی شرکت نیز بوده است. باید توجه داشت که چنانچه اقدامی صرفاً برای رفاه کارکنان (نه رفاه عمومی) باشد، نمی‌توان صرفاً تأثیر غیرمستقیم آن را نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی شرکتی قلمداد کرد.

باوجوداین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با کشف میدان‌های گاز در منطقه خلیج فارس، قطب صنعتی جدیدی در استان بوشهر و منطقه عسلویه شکل گرفت. این بخش از کشور که منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را در خود جای داده و پروژه‌های عظیم گازی پارس را تحت مدیریت دارد، شاهد اقدامات حمایتی و مالی مستمر از سوی دولت و شرکت‌های فعال در

این حوزه بوده است. به‌رغم این حمایت‌ها، منطقهٔ عسلویه و سایر مناطق مرتبط نتوانستند همچون گذشته در مناطق نفتی مانند آبادان به شکلی ملموس و تأثیرگذار، مسئولیت اجتماعی شرکتی را به‌صورت پایدار و نهادینه‌شده به نمایش گذارند. این روند محقق‌نشدن مسئولیت اجتماعی شرکتی در مناطق نفتی کشور، همچون خارک، بندرعباس و ماهشهر، به‌ویژه در سطح جامع و فراگیر، موجب شده است که مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی همچنان در این مناطق در حد یک سیاست و اقدام سطحی باقی بماند. درنتیجه، باوجود منابع عظیم نفت‌وگاز، نهادینه‌سازی این مسئولیت‌ها در ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی هنوز به‌طور کامل به انجام نرسیده است (خاتم، ۱۳۹۱: ۶۵).

در سال ۱۴۰۲ با توجه به وجود مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در مناطق متأثر از فعالیت‌های صنعت نفت و آثار و پیامدهای آن بر کارایی فعالیت‌های صنعتی و با هدف ایجاد فضای لازم برای افزایش اعتماد اجتماعی، بهینه‌سازی هزینه‌ها، بهبود روابط با جوامع محلی و تسهیل شرایط کاری در آن‌ها، «نظام‌نامهٔ مسئولیت اجتماعی صنعت نفت» با هدف «استقرار نظام یکپارچهٔ عمل به مسئولیت اجتماعی» به تصویب وزیر نفت رسید و در آن موضوع‌های اولویت‌دار صنعت نفت در زمینهٔ مسئولیت اجتماعی شرکتی، اقدامات لازم برای تحقق مسئولیت اجتماعی صنعت نفت و نحوهٔ مشارکت ذی‌نفعان در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکتی و نحوهٔ راهبری آن پیش‌بینی شد.

امروزه صنعت نفت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد کشور، نقش برجسته‌ای در تأمین درآمدهای ملی ایفا می‌کند. حجم عمده‌ای از درآمدهای کشور وابسته به منابع نفتی است و به همین دلیل، صنعت نفت بخشی حیاتی در زیربنای اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود. در این راستا، رشد مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد. از طریق نهادینه‌سازی اصول مسئولیت اجتماعی، شرکت‌های نفتی قادر خواهند بود افزون‌بر تأمین منافع اقتصادی، به بهبود شرایط اجتماعی و زیست‌محیطی نیز بپردازند. این فرایند نه‌تنها موجب ارتقای سطح زندگی جامعه می‌شود، بلکه از منظر توسعهٔ پایدار نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند.

۲. ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی

شرکت‌های نفتی باید الزامات اجتماعی و محیط‌زیستی را در حین عملیات اکتشاف تا توسعه و بهره‌برداری رعایت کنند. در دهه‌های اخیر، توسعهٔ پایدار به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مبانی مسئولیت اجتماعی به‌سرعت جایگاه ویژه‌ای در اصول بین‌المللی یافته است. این مفهوم، به شکلی یکپارچه، ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را در راستای سرمایه‌گذاری مسئولانه دربرمی‌گیرد. از این‌رو، امروزه میان پژوهشگران و صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد که این سه

بعد، ارکان اصلی مسئولیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در ادامه، مهم‌ترین ابعاد مسئولیت اجتماعی به‌طور مختصر بررسی خواهد شد.

۱.۲. بعد اجتماعی

یکی از ابعاد اساسی مسئولیت اجتماعی، بعد حقوق بشری و اجتماعی آن است. از منظر اجتماعی، از آنجاکه جوامع میزبان و سرمایه‌پذیر ممکن است تحت‌تأثیر فعالیت‌های شرکت‌ها قرار گیرند، این شرکت‌ها باید در تصمیم‌گیری‌ها و راهبردهای خود منافع اجتماعی را نیز در نظر بگیرند. این شامل حمایت از حقوق بشر، رعایت حقوق جوامع بومی، مشارکت در کاهش فقر، ایجاد شرایط کاری مناسب، استخدام نیروهای محلی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایی مانند مدارس می‌شود (Boki, 2020: 37). اصولاً شرکت‌هایی که به منافع ذی‌نفعان توجه می‌کنند، در مقایسه با سایر شرکت‌ها در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی موفقیت بیشتری به‌دست می‌آورند (Jones, 1999: 206)؛ به‌گونه‌ای که این تأثیرات نه‌تنها موجب بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در این جوامع شده است، بلکه در بسیاری از موارد به ارتقای زیرساخت‌های حیاتی و توسعه پایدار نیز انجامیده است (Aaron, 2012: 259).

الزامات اجرایی^۱ در قراردادهای نفتی به مجموعه تعهدات عملیاتی، فنی، مالی، زیست‌محیطی و اجتماعی گفته می‌شود که شرکت‌های نفتی ملزم و متعهد به اجرای آن در طول دوره اجرای قراردادهای خود هستند که این الزامات برای حفظ منافع ملی کشور میزبان و تضمین توسعه پایدار در آن کشور است که ممکن است مربوط به الزامات استفاده از توان داخلی، انتقال فناوری و دانش فنی، الزامات حقوق بشری و زیست‌محیطی باشد. در این خصوص لازم به ذکر است که برخی کشورهای نفتی که عمدتاً در گروه کشورهای درحال توسعه هستند، دلایل متعددی برای درج الزامات اجرایی در قراردادها بیان می‌کنند؛ ازجمله حمایت از اتباع خود در زمینه استخدام و اشتغال، حفظ محیط‌زیست، حمایت از تولید داخلی، انتقال فناوری و مواردی از این‌دست. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته این الزامات را مخالف اصول تجارت آزاد و اصل رفتار ملی تلقی می‌کنند (محمدی جیحونی، ۱۳۹۶: ۸). براین اساس، الزامات اجرایی، چهره‌ای الزام‌آور از مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی است که توسط دولت میزبان و به‌واسطه شروط قراردادی بر آن‌ها تحمیل شده و نقض آن ممکن است با ضمانت‌اجراهای قراردادی همچون وجه‌التزام قراردادی یا فسخ قرارداد روبه‌رو شوند و بدین ترتیب، شکاف بزرگ میان رفاه شرکت‌های نفتی و

شرایط نامناسب جوامع میزبان، تاندازه‌ای پوشش داده شده (Kyuka, 2017: 296) و شرایط ایفا نکردن الزامات مربوط به مسئولیت اجتماعی را به شرکت‌های نفتی نمی‌دهد.

۲.۲. بعد اقتصادی

از دیدگاه اقتصادی، اجرای مسئولیت اجتماعی شرکتی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که منافع متقابل و تعادل مناسبی میان شرکت و جامعه فراهم آورد. رعایت اصول مسئولیت اجتماعی نه تنها بر ارزش سهام شرکت‌ها در بازارهای بورس بین‌المللی تأثیر مثبت دارد، بلکه موجب تقویت اعتبار و شهرت بنگاه‌های اقتصادی نیز می‌شود. جنبه اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از طریق اجرای پروژه‌های ویژه یا نوآوری‌هایی تحقق می‌یابد که به اجرای مؤثر برنامه‌های مسئولیت اجتماعی کمک می‌کنند. این اقدامات می‌توانند به بهبود عملکرد اقتصادی شرکت‌ها در کنار ایجاد ارزش اجتماعی پایدار بینجامند (Torugsa, 2013: 383). بنابراین اجرای مسئولیت اجتماعی باید آن‌چنان طراحی شود که در راستای بهبود عملکرد مالی و ایجاد ارزش افزوده برای ذی‌نفعان شرکت نیز عمل کند (Carroll, 1999: 3).

اجرای موفقیت‌آمیز مسئولیت اجتماعی می‌تواند به خلق ارزش مشترک بینجامد؛ بدین معنا که شرکت‌ها همزمان با تأمین منافع اجتماعی و زیست‌محیطی، منافع اقتصادی خود را نیز تضمین می‌کنند و به ارتباط مثبت و معناداری میان رعایت اصول مسئولیت اجتماعی و بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها می‌انجامد؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند افزایش ارزش برند، جلب اعتماد بازارهای سرمایه، کاهش هزینه‌های ریسک و جذب سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه. از این منظر، مسئولیت اجتماعی به‌عنوان بخشی از راهبرد کلان سازمان تلقی می‌شود که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش سودآوری پایدار و تقویت موقعیت رقابتی شرکت در بازارهای بین‌المللی ایفا کند. از این‌رو، طراحی و اجرای مسئولیت اجتماعی نباید صرفاً براساس الزامات اخلاقی یا فشارهای اجتماعی انجام شود، بلکه لازم است هم‌راستا با منافع اقتصادی شرکت و در قالب یک سیاست جامع توسعه پایدار تدوین و اجرا شود.

۲.۳. بعد زیست‌محیطی

ابعاد زیست‌محیطی فعالیت شرکت‌های نفتی شامل مجموعه اقدامات و تلاش‌های شرکت‌ها در راستای رعایت معیارهای زیست‌محیطی، مدیریت صحیح پسماندها و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه تأثیرات منفی بر محیط‌زیست است (Rodrigo, 2016: 286). یکی از عوامل اساسی در پایداری محیط‌زیست، تداوم حیات بشر و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. از نظر تاریخی، همواره چالش‌هایی در زمینه ایجاد تعادل میان حفاظت از محیط‌زیست و رشد اقتصادی مطرح بوده است.

در این راستا، دستیابی به توسعه پایدار در حوزه توسعه صنعتی، توجه ویژه‌ای را در نظام‌های بین‌المللی به خود جلب کرده است (Carvalho, 2020: 101). حفظ تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیستی فعالیت‌های شرکت‌های نفتی امروزه مورد توجه همگان قرار گرفته است. ابعاد زیست‌محیطی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی شامل اتخاذ معیارها و سیاست‌های مدیریتی پیشگیرانه است که نه تنها به کاهش آثار منفی زیست‌محیطی کمک می‌کند، بلکه به تضمین پایداری منابع طبیعی برای نسل‌های آینده نیز می‌انجامد. این رویکرد که در قالب توسعه پایدار مطرح می‌شود، بیانگر ضرورت تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و بر لزوم هماهنگی بین رشد صنعتی و حفاظت از محیط‌زیست در سطح بین‌المللی تأکید دارد. به‌سختی دیگر، مدیریت مسئولانه محیط‌زیستی در صنعت نفت نه تنها الزامی اخلاقی و حقوقی است، بلکه عنصری کلیدی در تضمین بقای بلندمدت این صنعت و جوامع پیرامون آن شمرده می‌شود.

۴.۲. بعد حقوق بشری

بعد حقوق بشری مسئولیت اجتماعی شرکتی، به‌ویژه در صنایع پرریسکی مانند نفت و گاز، به تعهد شرکت‌ها مبنی بر رعایت و حمایت از حقوق بنیادین انسانی در همه مراحل فعالیت‌های خود بازمی‌گردد؛ از جمله آن‌ها شرایط کاری، عدم تبعیض، رعایت حقوق بومیان و احترام به جوامع محلی است که تأکید می‌کند شرکت‌ها حتی در غیاب الزام حقوقی نیز باید از نقض حقوق بشر جلوگیری کرده و در صورت بروز آن، سازوکارهای جبرانی مؤثری فراهم آورند. در این راستا، شرکت‌های نفتی موظف‌اند ارزیابی‌های اثرات حقوق بشری^۱ را پیش از آغاز پروژه‌ها انجام دهند و اطمینان یابند که عملیات آن‌ها به نقض حقوق افراد، به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر نمی‌انجامد؛ برای مثال، شرکت‌های نفتی بارها به دلیل نادیده گرفتن حقوق جوامع بومی در نیجریه مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. در مجموع، اجرای مسئولیت اجتماعی در بعد حقوق بشری، نوعی مسئولیت فراحقوقی اخلاقی با گرایش فزاینده به الزام‌آوردن است که نقش کلیدی در ارتقای مشروعیت و مقبولیت اجتماعی شرکت‌ها ایفا می‌کند (United Nations, 2011: 16).

۳. عنصر مادی و معنوی عرف حاکم بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی

به‌رغم وجود اختلاف میان نظام‌های حقوقی درخصوص جایگاه و اعتبار عرف و اساس آن، عرف در همه نظام‌های حقوقی جهان یکی از منابع مهم حقوقی است. برخی نویسندگان در تعریف آن گفته‌اند: عرف به‌عنوان منبع حقوق، قاعده‌ای غیرمکتوب، عام و دائمی است که به‌طور مستقیم از اراده مردم ناشی می‌شود (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۶: ۲۱۰). از نظر تاریخی می‌توان عرف را طلایه‌دار منابع حقوق و اصلی‌ترین منبع آن برای سالیان دراز (تا پیش از دوره تنظیم قوانین مدون) دانست (Moréteau & Masferrer, 2019: 188)؛ زیرا پیش از پیدایش قوانین مدون، عادات و رویه‌های موجود میان افراد جامعه به تنظیم روابط میان آن‌ها می‌پرداخت؛ ازاین‌رو می‌توان برای عرف نقش مهمی در ایجاد و شکل‌گیری حقوق قائل بود و قوانین مدون نیز عمدتاً تدوین عرف‌های موجود در جوامع هستند (Garfield, 2019: 37). عرف همواره یکی از منابع پویای حقوق بوده و نقش برجسته‌ای در تدوین و شکل‌گیری روابط اجتماعی، حقوق و تکالیف اشخاص ایفا کرده است.

عرف درباره یک شخص به‌صورت انفرادی شکل نمی‌گیرد (درواقع شخص به‌صورت انفرادی دارای عادت^۱ است، نه عرف)، بلکه عرف در رفتارهای اشخاص در جامعه نسبت به یکدیگر تحقق می‌یابد. برای اینکه عرفی معتبر تلقی شود، وجود عنصر مادی و معنوی در آن ضروری است. افزون‌بر عنصر مادی و معنوی، برخی شرایط دیگر نیز برای معتبر تلقی شدن عرف وجود دارد که در نظام حقوقی کامن‌لا به‌تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است؛ برای مثال، در حقوق کامن‌لا عرف در صورتی معتبر است که قابل‌اجرا، شناخته‌شده، واقعی، سازنده، قطعی، متحدالشکل، پایدار، صلح‌آمیز و معقول بوده و مغایر با قوانین و اخلاق حسنه (اصول اخلاقی) نباشد و هنگامی اجرای عرف را صحیح می‌داند که در مغایرت با اراده طرفین نباشد (Duxbury, 2017: 342).

۳.۱. رکن مادی

رکن مادی عرف به‌معنای رفتاری است که در طول زمان میان افراد یک جامعه رواج یافته و به‌صورت یک رویه ثابت در مواجهه با موضوعی مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. ازجمله مؤلفه‌های اساسی رکن مادی عرف، وجود رفتاری معین (اعم از گفتار یا کردار)، تکرار، استمرار و شمول آن بر موارد متعدد است؛ به‌نحوی که به‌صورت قاعده‌ای عام و رویه‌ای مستقر درآید. افزون‌براین، عمل مورد نظر باید ارادی بوده و جنبه غریزی نداشته باشد. بدیهی است برای آنکه

1. Habit

یک رفتار اجتماعی به مرتبه قاعده‌ای حقوقی ارتقا یابد، صرف احراز عناصر مذکور کافی نیست و تحقق عاملی دیگر که ماهیت حقوقی عرف را تعیین می‌کند، ضرورت دارد. از این رو، دانش حقوق، احراز دو رکن اساسی مادی و معنوی را شرط لازم برای شناسایی عرف به عنوان یک قاعده حقوقی می‌داند.

توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست نیز با گسترش فعالیت شرکت‌های نفتی اهمیت یافته است (Rubens, 1997: 3)؛ به‌ویژه در کشورهای سرمایه‌پذیر، برای جذب هرچه بیشتر سرمایه و فناوری‌های نوین، معمولاً به کاهش مقررات محدودکننده، از جمله معیارهای زیست‌محیطی و حقوق بشری، پرداخته شده است (Meaghan, 2000: 16). این اقدامات، رفته‌رفته و با افزایش قدرت و نفوذ شرکت‌های نفتی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی، تأثیرات عمیقی بر جوامع و محیط‌زیست گذاشت و موجب بروز انتظارات جدید از سوی ذی‌نفعان گردید. یکی از مهم‌ترین این انتظارات، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در قبال جوامع میزبان بود. طبق گزارش سال ۲۰۰۵ نشریه فورچون، شرکت‌های *رویال داتچ شل*^۱ و *بریتیش پترولیوم* به عنوان دو شرکت برتر و پیشرو جهانی در زمینه پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی شناخته شدند (Eric, 1994: 1227). این شرکت‌ها، به‌ویژه از نظر میزان تعهد به مسائل اجتماعی و محیط‌زیست، جایگاه برتر را در میان سایر شرکت‌های بزرگ اقتصادی دنیا به خود اختصاص داده‌اند (Gulbrandsen, 2005: 5). امروزه این دو شرکت به عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین شرکت‌های نفتی در جهان شناخته می‌شوند که توانسته‌اند فعالیت‌های تجاری خود را با راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکتی هم‌راستا سازند (Tulder, 2006: 37).

در همین راستا، شرکت نفتی *استات/ویل*^۲ بر این باور است که تعهد به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی از ارکان اصلی موفقیت‌های بلندمدت و پایدار شرکت‌هاست و باید به صورت همزمان با دستیابی به اهداف مالی، ارزش افزوده برای سهام‌داران ایجاد گردد. به طور مشابه شرکت نفتی *توتال*^۳ که در بیشتر کشورهای جهان فعالیت دارد، نه تنها در عرصه‌های استخراج، بهره‌برداری و تولید محصولات نفتی و گازی فعال است، بلکه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز سرمایه‌گذاری چشمگیری کرده و توسعه پایدار را به عنوان یکی از اصول اساسی فعالیت‌های خود پذیرفته است؛ برای نمونه، این شرکت در راستای مسئولیت اجتماعی خود، زیرساخت‌هایی مانند تأمین انرژی، دسترسی به آب سالم و کافی، ساخت جاده‌ها، تأمین برق، بهبود خدمات بهداشتی و گسترش

1. Royal Dutch Shell
2. Statoil
3. Total

آموزش را در دستور کار قرار داده است و حتی در برخی مناطق، بورسیه‌های تحصیلی نیز به دانشجویان اهدا می‌کند (Kurzack, 2021: 12).

بدین‌ترتیب، مسئولیت اجتماعی شرکتی امروز دیگر تنها به یک آرمان یا اقدام خیرخواهانه محدود نمی‌شود؛ بلکه به بخش جدایی‌ناپذیر و ضروری راهبردهای شرکت‌های چندملیتی و فراملی نفتی تبدیل شده است که در پی بهبود مستمر شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در جوامع میزبان خود هستند.

۲.۳. رکن معنوی

عرف که گاهی از آن با عنوان عنصر یا عامل روحی و روانی یاد می‌شود، پذیرش معنوی و آگاهی جامعه نسبت به یک رفتار یا رویه خاص است که به آن ویژگی الزام‌آور و ضمانت‌اجرا می‌بخشد (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۹: ۴۳). اعتقاد به تنظیم رفتار براساس عرف، بدون آنکه در مجموعه قوانین، نظام‌نامه‌ها یا آیین‌نامه‌های رسمی ثبت شده باشد، باعث می‌شود که این رفتار الزام‌آور بوده و تعهدات و تکالیفی را برای افراد ایجاد کند. بنابراین، این رفتار به‌عنوان یکی از قواعد حقوقی شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که شرکت‌ها، نظیر شرکت‌های نفتی، خود را ملزم به رعایت آن می‌بینند و محاکم قضایی نیز استناد به آن را می‌پذیرند. به‌سخن‌دیگر، آنچه عرف را از صرف رفتارهای عادی و سنتی متمایز می‌سازد، ویژگی الزام‌آور و ضمانت‌اجرای آن است که نقضش، سبب مسئولیت‌های حقوقی و ضمانت‌اجراهای معین می‌شود.

این ویژگی عرف حقوقی است که موجب پذیرش آن در نظام‌های حقوقی و تعاملات بین‌المللی می‌شود. بنابراین، بسیاری از رفتارها و عادت‌ها که در طول زمان تکرار شده و جنبه عمومی یافته‌اند، از نظر جامعه الزام‌آور نبوده و به‌عنوان یک قاعده حقوقی محترم شناخته نمی‌شوند و عرف حقوقی به‌شمار نمی‌روند. به همین دلیل، رفتار اجتماعی تنها زمانی به‌عنوان عرف شناخته خواهد شد که هر دو رکن مادی و معنوی آن احراز گردد. درباره نهادینه‌سازی رکن معنوی به‌منظور شکل‌گیری عرف بین‌المللی، شرکت‌های نفتی باید به‌گونه‌ای رفتار کنند که این رفتار خود به‌عنوان تأییدی بر اعتقاد به الزام‌آوری رویه مذکور، براساس قواعد حقوقی شناخته شود (گوود، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

گفتنی است همان‌طور که برای شکل‌گیری یک قاعده عرفی، رویه باید به‌طور عام و گسترده باشد، اعتقاد حقوقی مرتبط با آن نیز باید از عمومیت کافی برخوردار باشد. به‌سخن‌دیگر، اعتقاد حقوقی مورد نظر باید از توافق و باور مشترک میان دولت‌های جهان یا به عبارت دقیق‌تر، جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل ناشی شود. در صورتی که چنین باور یا اعتقاد عمومی‌ای وجود نداشته باشد، پیامدهای حقوقی هرگونه رویه‌ای که در فرایند شکل‌گیری قواعد عرفی جدید نقش

دارد، با ابهام و عدم وضوح روبه‌رو خواهد شد. بدین ترتیب، روشن است که رکن معنوی عنصری ضروری در فرایند ایجاد قواعد حقوقی تلقی می‌شود؛ چراکه این عنصر موجب اعتبار و الزام‌آوری رفتارهای خاص در روابط حقوقی می‌شود. به‌سخن دیگر، منظور از رکن معنوی، احساس الزام‌آوری یک عادت نزد اعضای جامعه (خاص یا عام) است (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۶: ۱۹۶). دربارهٔ مسئولیت اجتماعی شرکتی، انجام این مسئولیت‌ها عمدتاً تحت تأثیر فشارهای بازار جهانی تجارت و اجبارهای ناشی از آن است.

اصلاح رفتارهای تجاری، به‌ویژه در صنعت نفت و انرژی، از طریق رویه‌های مطلوب و شناخته‌شده^۱، همچون محکومیت شرکت‌ها به دلیل ارتکاب اعمال غیرمسئولانه یا ناعادلانهٔ تجاری^۲، همواره ابزاری قدرتمند و مؤثر برای تغییر رفتار شرکت‌های نفتی و تجاری بوده است. افزون‌براین، بازار جهانی رفته‌رفته به نیرویی قدرتمندتر از دولت‌ها و حتی نهادهای بین‌المللی بدل شده است که در عمل نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق مسئولیت اجتماعی ایفا می‌کند. این امر موجب می‌شود شرکت‌ها به‌طور غیرمستقیم ناگزیر از رعایت اصول مسئولیت اجتماعی باشند تا از آسیب به روابط تجاری و ازدست‌رفتن فرصت‌ها در بازارهای بورس بین‌المللی پیشگیری کنند.

۴. مبنای نیروی الزام‌آور عرف تجاری و رویه در شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی

در این بند، مبنای نیروی الزام‌آور عرف تجاری و رویه در شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴.۱. عرف تجاری^۳

نظریه‌های گوناگونی دربارهٔ منشأ نیروی الزام‌آور عرف ارائه شده است. به باور برخی نویسندگان، منشأ الزام‌آوری عرف در وجدان عمومی نهفته است؛ همان وجدانی که قانون نیز از آن سرچشمه می‌گیرد. به‌سخن دیگر، قانون و عرف هردو براساس احساسات و باورهای عمومی جامعه شکل می‌گیرند و از همین دیدگاه، به‌عنوان ابزارهایی الزام‌آور برای تنظیم رفتار افراد در نظر گرفته می‌شوند (شهابی و جلالی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). در مقابل، عده‌ای دیگر منشأ الزام‌آوری عرف را ارادهٔ ضمنی افراد می‌دانند (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). از نظر عده‌ای دیگر، عرف زمانی الزام‌آور است که در آرای دادگاه‌ها و یا داوری به رسمیت شناخته شده و بازتاب یافته باشند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۹۶).

-
1. Good Corporate Governance Processes
 2. Shameful Business Conduct
 3. Usage

براساس نظریه‌های پیش‌گفته، منشأ الزام‌آوری عرف تجاری فراتر از توافقات ضمنی طرفین است و در وجدان عمومی ریشه دارد؛ باوری که به الزام‌آور بودن آن در جامعه انجامیده و برای آن جایگاهی مستقل از اراده طرفین قرارداد پدید آورده است (صفایی، ۱۳۸۴: ۳۶) و مبنای واقعی عرف تجاری، ضرورت‌های تجاری و نیازهای بازرگانان در عرصه تجارت بین‌الملل است. به‌سختی دیگر، عرف تجاری براساس شرایط و الزامات خاص تجاری شکل می‌گیرد و به‌منظور تسهیل و تسریع در فرایندهای تجاری و ایجاد هماهنگی میان طرف‌های مختلف، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، توسعه می‌یابد (علوم یزدی، ۱۴۰۱: ۸).

۲.۴. رویه

«رویه^۱» را می‌توان مجموعه‌ای از مراحل، فرایندها یا شیوه‌های ثابتی دانست که به‌طور مستمر برای انجام فعالیتی معین در زمینه‌ای خاص دنبال می‌شود. درخصوص رابطه عرف و رویه می‌توان گفت که عرف، قاعده‌ای است که پس از تحقق عناصر مادی و معنوی خود، به‌عنوان یک الزام حقوقی قابلیت اجرا و ترتیب اثر می‌یابد (مانند ماده ۲۲۵ قانون مدنی^۲)؛ درحالی که رویه رفتارهای تکرار شده در روابط و موارد خاصی است که هنوز جنبه الزام‌آور عمومی نیافته است (برای مثال، روش خاص یک شرکت نفتی در محاسبه هزینه‌های عملیاتی) و صرفاً در صورت تصریح در قرارداد جنبه الزام‌آور می‌یابد. چنانچه رویه بتواند شرایط عمومی شدن و تکرار (رکن مادی) و الزام‌آوری (رکن معنوی) را به‌دست آورد، ممکن است به عرف تبدیل شود.

رویه ممکن است توسط طرفین قرارداد ایجاد شود و در صورت نیاز، قابل تغییر و تعدیل باشد. رویه‌ها در قراردادها معمولاً به‌صورت صریح تعیین می‌شوند و رعایت آن‌ها به‌عنوان یک ضابطه قراردادی مورد انتظار است. رویه‌های نفتی بین‌المللی به مجموعه اقدام‌ها و رفتارهایی گفته می‌شود که در میان فعالان صنعت نفت در سطح بین‌المللی شکل گرفته است (شیروی، ۱۳۹۷: ۱۰۳). ایجاد یک رویه خاص در صنعت نفت به یکپارچگی میان بازیگران این صنعت از طریق رفتار منظم می‌انجامد؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها بر اعمال حاکمیت بر قراردادهای فراملی نفتی تأثیرگذار است، بلکه پاسخگوی نیازها و منافع جامعه بین‌المللی نفتی نیز هست (De Jesus, 2012: 49).

۱. واژه «رویه» در زبان فارسی معادل واژه‌های "Usage" و "Custom" در زبان انگلیسی است و معمولاً همراه با "Custom" به‌کار می‌رود. با این حال، به‌مرور زمان واژه "Practice" جایگزین آن‌ها شده و امروزه بیشتر از آن استفاده می‌شود. باوجود این تغییر، از نظر تعریف، هر سه واژه معادل یکدیگرند. بنابراین، هرگاه واژه «رویه» در متن به‌کار رفته، معادل هردو واژه "Usage" و "Custom" یا "Practice" در زبان انگلیسی است.

۲. ماده ۲۲۵ قانون مدنی: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به‌طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به‌منزله ذکر در عقد است».

منابع رویه‌ها در صنعت بین‌المللی نفت شامل هنجارها، معیارها، قواعد، دستورالعمل‌ها و روش‌هایی هستند که در مجموعه صنعت جهانی نفت پذیرفته و اجرا می‌شوند. این منابع می‌توانند به‌طور مؤثر موجب ایجاد الزام‌ها و تعهدات حقوقی گردند.

۵. بازتاب مسئولیت اجتماعی شرکتی در قراردادهای نفتی، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و آرای داوری

شرکت‌های نفتی فراملی به‌منظور گسترش تجارت آزاد و دستیابی به سود و منابع بیشتر، اغلب به ابعاد اجتماعی اقدامات خود توجه کافی ندارند (Idemudia, 2009: 103). بدین ترتیب، دولت‌ها برای تنظیم، هدایت و تضمین اجرای مسئولیت اجتماعی شرکتی، از دو سازوکار حقوقی اساسی بهره گرفته‌اند. از یک‌سو، با تصویب و اجرای مقررات الزام‌آور، چهارچوب‌های قانونی سختگیرانه‌ای را در راستای نظارت بر عملکرد شرکت‌های نفتی وضع کرده‌اند. از سوی دیگر، از طریق گنجاندن موازین حقوقی نرم در معاهدات سرمایه‌گذاری، شرکت‌ها را به رعایت اصول مسئولیت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست و تأمین منافع جوامع میزبان ترغیب کرده‌اند.

این اقدامات به‌منظور ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی و حفظ مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها انجام می‌شود. تلاش‌ها برای اعطای جنبه‌ی الزام‌آور به قواعد حاکم بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این امر مستلزم ایجاد توازن میان منافع شرکت‌های سرمایه‌گذار از یک‌سو و حقوق و انتظارات دولت‌های میزبان و سایر ذی‌نفعان از سوی دیگر است (Suzanne, 2010: 1037). به همین منظور، درج این دسته از مسئولیت‌های متعهدانه ممکن است با دیگر شروط قراردادی یا مفاد معاهده در تعارض قرار گیرد. از این‌رو، به‌منظور پیشگیری از بروز هرگونه تعارض در اجرای تعهدات، اتخاذ تدابیری هدفمند برای تدوین و اجرای مقررات ماهوی حاکم بر فعالیت شرکت‌های فراملی و چندملیتی نفتی امری ضروری به نظر می‌رسد (Spence, 2011: 65). چنانچه اجرای تعهدات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشورهای میزبان توسط شرکت‌های نفتی آغاز گردد، وجود موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و قانونی که از سوی دولت میزبان اعمال می‌شود، می‌تواند از میزان تأثیرگذاری این تعهدات به‌طور چشمگیری بکاهد (Frynas, 2005: 590). براین‌اساس، بررسی جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکتی و بازتاب آن در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای نفتی، امری ضروری تلقی می‌شود. در نتیجه، بررسی جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکتی و بازتاب آن در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای نفتی، از چشم‌انداز حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، بسیار مهم است.

ایجاد توازن حقوقی میان منافع اقتصادی و حفظ حقوق عامه، نیازمند تدوین سازوکارهای حقوقی یکپارچه، پاسخگو و منعطف است که بتواند هماهنگی میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تضمین کند. افزون‌براین، تضمین حقوق ذی‌نفعان و جلوگیری از تعارض‌های حقوقی، نقش حیاتی در استقرار نظام حقوقی مؤثر و عادلانه ایفا می‌کند. همچنین جامعه می‌کوشد تا تعارض‌های حقوقی و اجرایی درخصوص مسئولیت اجتماعی شرکتی کاهش یابد. درعین‌حال، موانع فرهنگی، سیاسی و قانونی در کشورهای میزبان می‌تواند کارایی این تعهدات را تحت‌تأثیر قرار دهد و نیازمند تدوین سازوکارهای حقوقی یکپارچه و دقیق برای پیشگیری از تعارض و تضمین اجرای مؤثر مسئولیت‌های اجتماعی است؛ امری که اهمیت تجزیه‌وتحلیل جایگاه حقوقی مسئولیت اجتماعی در معاهدات بین‌المللی، قراردادهای نفتی و آرای داوری را نشان می‌دهد.

۵.۱. قراردادهای نفتی

در نظام‌های حقوقی مختلف به‌منظور تقویت الزام‌آوری اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی، مقررات متعددی تصویب شده است. درج تعهدات مرتبط با مسئولیت اجتماعی در مفاد قراردادهای نفتی، یکی از راهکارهای اساسی در راستای الزام‌آوری این اصول و ارتقای استانداردهای اجرایی به‌شمار می‌رود. این امر نه‌تنها موجب نهادینه‌سازی رویه‌های مطلوب در سطح بین‌المللی می‌گردد، بلکه بر فرایند مقررات‌گذاری و توسعه چهارچوب‌های حقوقی مرتبط نیز تأثیر بسزایی دارد. بدین‌منظور، مفاد قراردادی مرتبط با مسئولیت اجتماعی، به‌نحوی تنظیم می‌شوند که ضمن تأمین منافع طرفین، تعادل حقوقی و اجرایی میان آن‌ها برقرار گردد. باین‌حال، موضوع مسئولیت اجتماعی در قراردادهای نفت‌وگاز عمدتاً تابع الگوهای کلی است و نظام الزام‌آور مشخص و یکپارچه‌ای ندارد.

افزون‌براین، ماهیت خصوصی و محرمانه قراردادهای نفتی، موجب محدودیت در دسترسی به اطلاعات مربوطه شده و شفافیت در اجرای تعهدات اجتماعی را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶: ۴۱). در قراردادهای بیع‌متقابل^۱ که از مهم‌ترین قالب‌های قراردادهای خدماتی پس از انقلاب اسلامی در ایران برای اکتشاف و توسعه میادین نفتی به‌شمار می‌روند، تعهدات مرتبط با مسئولیت اجتماعی به‌طور صریح و جامع تصریح نشده است. باوجوداین،

به صورت کلی و گذرا، در ماده هفتم^۱ این قراردادها تحت عنوان «حقوق و تعهدات پیمانکار»، به برخی ملاحظات زیست محیطی اشاره شده است. براین اساس، طرفین قرارداد مکلفاند در اجرای عملیات توسعه، حساسیت لازم را نسبت به مسائل زیست محیطی نشان داده و منافع نسل اکنون و آینده را مدنظر قرار دهند. همچنین، پیمانکار موظف به رعایت استانداردهای ایمنی نیروی کار و الزامات زیست محیطی در سطحی مطلوب و همسو با معیارهای بین المللی است.

در قراردادهای نسل جدیدی که امروزه در صنعت نفت ایران با عنوان IPC^۲ شناخته می شود نیز به حقوق محیط زیست پرداخته شده است. توضیح آنکه، یکی از مهم ترین اصول حاکم بر قراردادهای نفتی، رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی و اجتماعی است؛ امری که در مقایسه با قراردادهای بیع متقابل، به سرعت در حال تحول و تطبیق با معیارهای بین المللی است. این اصول به منظور تأمین توسعه پایدار و حفظ منافع اجتماعی و محیط زیستی در کنار منافع اقتصادی در فرایندهای قراردادی صنعت نفت ضروری به نظر می رسند. این نسل از قراردادها، براساس نمونه ESHIA^۳، به ملاحظات ایمنی، امنیتی، اجتماعی و بهداشتی می پردازد و جدیدترین تحولی است که در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکتی مرتبط با فعالیت های نفتی پدید آمده است (امیرخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۵). به موجب این سند، پیمانکار موظف است تمامی اقدامات و تدابیر لازم را برای پیشگیری از آسیب به محیط زیست اتخاذ کند و نیز اقدامات مقتضی را برای کاهش آسیب ها و آثار منفی آن بر اموال و افراد انجام دهد (جاوید و شاهمادی، ۱۳۹۵: ۳۲).

کشورهای مختلف نیز در سال های گذشته، معیارهای مسئولیت اجتماعی را در قراردادهای نفتی خود گنجانده اند؛ برای مثال، در قرارداد اکتشاف و تولید در ناحیه مرزی و نوظهور اقیانوس اطلس، شرکت KOSMOS ENERGY LTD با شرکت CLMG CORP در ماده ۳۲ با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت و تعهدات آموزشی و در بند ۱-۳۲ تصریح می کند که در طول هر مرحله از دوره اکتشاف، پیمانکار موظف است یکصد هزار دلار آمریکا در هر سال تقویمی برای مسئولیت اجتماعی و آموزش کارکنان یا ارائه برنامه های مسئولیت اجتماعی شرکتی اختصاص دهد. برنامه های مسئولیت اجتماعی شرکت ها باید در زمینه هایی مانند محیط زیست، بهداشت، آموزش، فرهنگ و ورزش مورد حمایت قرار گیرد.^۴

۱. پیمانکار باید مسئولیت کامل کفایت، ثبات و امنیت تمام فعالیت ها و روش های لازم برای اجرای این قرارداد را برعهده بگیرد و اقدامات لازم را با ملاحظه ایمنی جان ها، اموال، محصولات کشاورزی، شیلات، ناوبری، حفاظت از محیط زیست، پیشگیری، آلودگی و ایمنی و بهداشت پرسنل اتخاذ کند.

2. Iranian Petroleum Contract

3. Environmental, Social and Health Impact Assessment.

4. 32.1 During each phase of the Exploration Period, Contractor shall allocate one hundred thousand US Dollars (USD100,000) per Calendar Year to train representatives of Contractor or to provide programs of corporate social

با بررسی شرط قراردادی مرتبط با مسئولیت اجتماعی، این موضوع مطرح می‌شود که دولت‌ها در پی کاهش حداکثری آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از اجرای پروژه‌های نفت و گاز هستند. براین اساس، پیمانکار خارجی مکلف است پیش از آغاز عملیات اجرایی، مطالعات ارزیابی جامعی را درباره آثار زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه ارائه دهد، ریسک‌های احتمالی را شناسایی و ارزیابی کند و تدابیر پیشگیرانه‌ای را برای کاهش یا جبران این آسیب‌ها در طول مدت قرارداد اتخاذ نماید (Spence, 2010: 86).

در بخش‌های مختلفی از قراردادهای مذکور، نشانه‌هایی از رفتار مکرر شرکت‌ها در درج مفاد مربوط به مسئولیت اجتماعی در قراردادهای نفتی وجود دارد و این موضوع در چهارچوب رکن مادی عرف بین‌الملل قابل بررسی است؛ زیرا می‌توان گفت یک رویه در حال تکوین است که رفته‌رفته، مسئولیت‌های اجتماعی را جزئی از الزامات قراردادی و رویه‌ای صنعت نفت می‌سازد؛ اما صرف تکرار رویه‌ها (رکن مادی)، برای شکل‌گیری عرف کافی نیست. آنچه هنوز به صورت کامل تحقق نیافته، رکن معنوی عرف بین‌المللی است؛ یعنی این باور که رعایت اصول مسئولیت اجتماعی، نه از سر ترجیح تجاری یا فشاری رقابتی، بلکه به عنوان الزامی حقوقی انجام شود. امروزه می‌توان از این مفاد به عنوان رفتارهای پیشاعرفی^۱ یاد کرد که بستر شکل‌گیری عرف آینده را فراهم می‌سازند.

۵.۲. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

نخستین تلاش‌ها برای پذیرش و اعمال هنجارهای اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری به سال ۲۰۰۷ و پیش‌نویس مدل معاهدات سرمایه‌گذاری نروژی برمی‌گردد. این معاهده شامل ماده‌ای بود که طرفین را موظف می‌کرد سرمایه‌گذاران را به رعایت دستورالعمل‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا^۲ ترغیب کنند (Winibaldus, 2020: 68) و به معاهده جهانی سازمان ملل نیز پایبند باشند^۳. این شرط، به صورت آشکار تعهدات الزام‌آوری درباره مسئولیت‌های اجتماعی تحمیل نمی‌کند، اما به طور غیرمستقیم طرفین معاهده را مکلف می‌سازد سرمایه‌گذاران را به

responsibility. During each Calendar Year after the Exploration Period, Contractor shall allocate four hundred thousand US Dollars (US\$400,000) of the Budget per Calendar Year to train representatives of Contractor or to provide programs of corporate social responsibility. The training programs shall be in any of Contractor's operations. The programs of corporate social responsibility shall support community-based development in areas like environment, health, education, culture and sports.

1. Pre-Customary Practices
2. Guidelines on Multinational Enterprises
3. United Nations Global Compact

رعایت استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی ترغیب و برپابندی به این اصول تأکید کنند. مقررات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتی در معاهدات سرمایه‌گذاری زمانی آشکار می‌گردد که دولت‌های متعاهد، از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه، با وضع الزامات و شروط مرتبط با ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی، سرمایه‌گذاران خود را به رعایت این معیارها ملزم سازند.

در سال‌های اخیر، شمار چشمگیری از معاهدات سرمایه‌گذاری برای ایجاد توازن میان منافع سرمایه‌گذاران و دولت میزبان، در راستای اتخاذ مقرراتی در حوزه مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی منعقد شده است.^۱ در برخی از معاهدات سرمایه‌گذاری منعقد شده میان دولت‌ها، مفاد مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که نه تنها دولت‌های سرمایه‌پذیر، بلکه دولت‌های سرمایه‌فرست را نیز مخاطب قرار می‌دهد و آنان را ملزم به حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران خود برای انجام تعهدات اجتماعی و زیست‌محیطی به‌منظور تحقق توسعه پایدار می‌سازد. ازجمله نمونه‌های این معاهدات، می‌توان به توافقات سرمایه‌گذاری میان کانادا و ایران اشاره کرد. کانادا در سال‌های اخیر، استانداردهای مسئولیت اجتماعی را در معاهدات سرمایه‌گذاری خود گنجانده و بدین‌وسیله چهارچوبی برای ارتقای تعهدات اجتماعی و زیست‌محیطی سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است (Keenan, 2020:10).

همچنین، در ماده ۲۳ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری منعقد شده میان کانادا و بنین در سال ۲۰۱۳، از تعبیری همچون «تشویق» و «دوطلبانه» استفاده شده است؛ امری که نشان‌دهنده ماهیت غیرالزام‌آور این تعهدات و جایگاه نرم آن‌ها در نظام حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. در مقابل، در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان کانادا و مالی، با حذف واژه «دوطلبانه» و جایگزینی آن با واژه «باید»، این تعهدات وصف الزامی یافته است؛ به‌گونه‌ای که طرفین، متعاهد و سرمایه‌گذاران موظف به رعایت الزامات مربوط به مسئولیت اجتماعی شوند و از این طریق در حل مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی مشارکت کنند (حمیدیان، ۱۳۹۹: ۵۵).

باتوجه به مطالعات حقوقی متعدد، مسئولیت اجتماعی شرکتی در نظام حقوقی ایران، به دلیل نبود آگاهی کافی نسبت به ملاحظات زیست‌محیطی، سوابق تاریخی منفی و تحریم‌های بین‌المللی، تاکنون نتوانسته است به‌عنوان گفتمانی غالب در سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری جایگاه مطلوبی بیابد و همگام با سایر کشورها پیش برود. در معاهدات سرمایه‌گذاری نوین، غالباً در مقدمه معاهده تصریح می‌شود که هدف از انعقاد این توافقات، صرفاً حمایت از سرمایه‌گذار

1. One example is the 2012 US Model BIT, the preamble of which states the Parties' desire to achieve the economic and investment objectives 'in a manner consistent with the protection of health, safety, and the environment, and the promotion of internationally recognized labor rights. The 2012 US Model BIT, preamble accessed 8 Jun 2023.

نیست، بلکه توسعه پایدار و ایجاد توازن میان حقوق و تعهدات سرمایه‌گذار و دولت میزبان نیز ازجمله اهداف اساسی شمرده می‌شود و دراین‌راستا، حمایت و تشویق به رعایت مسئولیت اجتماعی شرکتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

برای نمونه، در موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری میان جمهوری اسلامی ایران و ژاپن، بند پنجم ماده یک بر نقش مؤثر سرمایه‌گذاری در اقتصاد دولت میزبان تأکید دارد و سرمایه‌گذاران را ملزم می‌سازد که سرمایه‌گذاری‌های خود را برای تقویت فعالیت‌های اساسی کسب‌وکار و سازمان‌های تحقیق و توسعه غیرانتفاعی به کار گیرند. این امر نشان‌دهنده رویکردی نوین در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران است که به منظور ترویج و تقویت تعهدات اجتماعی و زیست‌محیطی سرمایه‌گذاران، به عنوان یکی از الزامات غیرمستقیم در تنظیم روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.^۱

تعهد به مشارکت در توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار که از ارکان اساسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به‌شمار می‌رود، به عنوان یک ویژگی بنیادین باید در قراردادهای سرمایه‌گذاری لحاظ گردد. چنانچه قرارداد سرمایه‌گذاری فاقد چنین تعهدی باشد، نمی‌توان آن را دارای ماهیت واقعی سرمایه‌گذاری قلمداد کرد؛ بدین معنا که صرف ورود سرمایه توسط سرمایه‌گذار کافی نیست و او می‌بایست نقش مؤثری در فرایند توسعه دولت میزبان، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با منابع طبیعی همچون نفت و گاز، ایفا کند تا از حمایت‌های معاهده‌ای بهره‌مند شود.

فرایند درج مفاد مسئولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۷، مصداقی از تکوین تدریجی عرف بین‌الملل در زمینه الزامات زیست‌محیطی و اجتماعی است. این روند از رهگذر شکل‌گیری رویه مکرر دولت‌ها و تعهدات صریح یا ضمنی آن‌ها، در حال گذار از مرحله قواعد نرم به هنجارهای الزام‌آور عرفی است. تغییر ادبیات معاهده‌ای از واژگانی مانند «تشویق» به «الزام»، به‌روشنی نشان‌دهنده آغاز پیدایش عنصر معنوی عرف است که مؤید پذیرش تدریجی مسئولیت اجتماعی شرکتی به مثابه تعهدی حقوقی در سطح بین‌المللی است.

۱. ماده ۹: «هر طرف متعاقد موظف است شرکت‌های فعال در قلمرو خود یا تحت صلاحیت خویش را به رعایت استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در رویه‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی خود تشویق نماید. این تشویق شامل بیانیه‌هایی است که توسط طرف‌های متعاقد تأیید یا حمایت می‌شود. این اصول به موضوعاتی نظیر کار، محیط‌زیست، حقوق بشر، روابط اجتماعی، زمین و اقدامات ضد فساد اشاره دارد و باید در سیاست‌های داخلی شرکت‌ها مدنظر قرار گیرد».

۵.۳. آرای داوری

یکی از روندهای نوپیدا در داوری‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری، گنجانیدن مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی و ملاحظات زیست‌محیطی و حقوق بشری در استدلال‌ها و آرای داوری است. برخی آرای داوری صادره حاکی از آن است که مراجع داوری در پاره‌ای موارد به رفتار غیرمسئولانه شرکت‌ها واکنش نشان داده و این مفاهیم را در تصمیمات خود مدنظر قرار داده‌اند؛ برای نمونه، در پرونده شرکت کانادایی Copper Mesa، این شرکت به دلیل رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به جوامع محلی در فرایند استخراج، با محکومیت روبه‌رو شد. داوران در رأی خود با اشاره به تعهدات اجتماعی شرکت، تأکید داشتند که رفتار نامناسب با جامعه میزبان، ریسک سیاسی و مشروعیت سرمایه‌گذاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (Mesa, 2012: 29). همچنین، دولت اکوادور با استناد به آلودگی شدید زیست‌محیطی ناشی از عملیات تگز/کو^۱ در دهه‌های گذشته، نقض مسئولیت اجتماعی شرکت نفتی استخراج‌کننده را در دفاعیات خود مطرح کرد. هرچند موضوع اختلاف در مرحله نهایی به جنبه‌های شکلی منحرف شد، اما این پرونده موجب تقویت توجه داوران به تأثیر رفتارهای ضد محیط‌زیستی در فرایند داوری شد (McRobert, 2018: 7).

برخلاف نمونه‌های بین‌المللی، نظام حقوقی ایران تاکنون شاهد پرونده شاخصی در زمینه اعمال مفاهیم مسئولیت اجتماعی در دعاوی نفتی یا داوری‌های داخلی نبوده است. اگرچه اسناد بالادستی، مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اسناد توسعه‌ای، به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اشاره دارند، اما در فرایند رسیدگی‌های حقوقی و داوری، اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی تاکنون در تصمیم‌گیری نقش نداشته‌اند و چالش‌هایی مانند آلودگی محیط‌زیست، تضییع حقوق بومیان یا تعهدات اجتماعی، تا امروز در داوری‌های داخلی یا بین‌المللی ایران محور رسیدگی نبوده‌اند. این خلأ نشانه عدم نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در رویه قضایی و داوری ایران است؛ درج صریح تعهدات زیست‌محیطی، اجتماعی و حقوق بشری در قراردادهای نفتی و الزام دولت به حمایت از این اصول در دعاوی، می‌تواند ایران را در مسیری همسو با کشورهای پیشرفته در زمینه شناسایی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی قرار دهد.

نتیجه

مباحث مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی عمدتاً در نتیجه گسترش فعالیت شرکت‌های چندملیتی در عرصه بین‌المللی مطرح شده است. این شرکت‌ها، افزون بر تعهدات

1. Texaco

حقوقی و اقتصادی، تعهدات فراملی و اخلاقی متعددی نیز برعهده دارند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق بشری است و همچنین به‌عنوان ابزاری برای تحقق توسعه پایدار تلقی می‌شود که رعایت آن همراه با ملاحظات همچون شفافیت در تخصیص منابع، فرایند دستیابی به توسعه پایدار را تسریع می‌کند. بررسی قراردادهای نفتی و معاهدات سرمایه‌گذاری، نه به‌عنوان منابع مستقل و جدا از عرف، بلکه به‌مثابه ابزارهایی برای شناسایی رفتار مکرر و باور به الزام‌آوری مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی، ضروری است. ضرورت تحلیل این موارد، آن است که درعمل رفتار دولت‌ها و شرکت‌ها در زمینه مسئولیت اجتماعی بیشتر از طریق قراردادها و معاهدات یادشده نمایان می‌شود. بنابراین، این موارد می‌توانند نقش مؤثری در شناخت هردو رکن مادی و معنوی عرف داشته باشند؛ به‌ویژه در بخش‌هایی از معاهدات سرمایه‌گذاری که از تعبیری چون «باید» به‌جای «تشویق» استفاده شده یا در قراردادهایی که سازوکارهای الزام‌آور برای مسئولیت اجتماعی پیش‌بینی شده است، می‌توان نشانه‌هایی از شکل‌گیری باور به الزامی بودن موارد مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی را دید. براین‌اساس، قراردادهای نفتی و معاهدات بین‌المللی به‌عنوان بازتابی از رفتار مکرر دولت‌ها و شرکت‌های نفتی همراه با اعتقاد به الزام‌آوری مسئولیت اجتماعی، دارای ظرفیت استخراج عناصر مادی و معنوی عرف هستند.

باوجوداین، شکل‌گیری عنصر معنوی هنوز به‌طور کامل محقق نشده و موانعی چون نبود تعهد حقوقی صریح، نگاه بازاری به مسئولیت اجتماعی و نبود گفت‌وگو جهانی فراگیر در این زمینه وجود دارد. برای گذار از این وضعیت، تقویت فرهنگ‌سازی حقوقی و اقتصادی در شرکت‌های نفتی، آماده‌سازی اجتماعی جوامع میزبان، ارتقای آگاهی سیاست‌گذاران، گنجاندن تعهدات مسئولیت اجتماعی در قراردادها و معاهدات و سرانجام، پذیرش آن در رویه‌های داوری، ضروری است. از این مسیر، رفته‌رفته مسئولیت اجتماعی شرکتی از سطح تعهدی اخلاقی یا قراردادی به سطح یک عرف بین‌المللی الزام‌آور ارتقا می‌یابد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

قدردانی

از داوران ارجمند که با صرف وقت و بررسی دقیق و موشکافانه، متن مقاله را مطالعه و بازبینی کردند و با ارائه نظرات سازنده، علمی و راهگشا، نگارندگان را در ارتقای کیفیت نهایی مقاله یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاریم و امتنان خود را ابراز می‌داریم.

منابع

- آزادبخت، صدیقه (۱۳۹۷). *مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اقتصاد و علوم اجتماعی شهید چمران اهواز.
- ابراهیمی، سید نصراله؛ شعبانی میرزایی، نسیم (۱۴۰۳). «تحلیل حقوقی بُعد اقتصادی قراردادهای جدید نفت‌وگاز ایران (آی.پی.سی) از منظر توسعه پایدار». *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، شماره ۸۱، ص ۲۸-۱. <http://iiesj.ir/article-1-1612-fa.html> (۲۳ اسفند ۱۴۰۱)
- اعظم، خاتم (۱۳۹۱). «عسویه در آیین آبادان؛ از شرکت-شهر تا اردوگاه‌های کارکنان نفت در ایران». *فصلنامه گفتگو*، دوره ۶۰، شماره ۶۰، ص ۷۸-۴۵.
- (۲ فروردین ۱۴۰۲) <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/927511>
- اسلامی‌پناه، علی (۱۳۹۶). «نقش عرف به‌منزله منبع حقوق». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۷، شماره ۲، ص ۱۰۱-۱۳۲. DOI: 10.22059/jlq.2017.62610
- امیرخانی؛ آزاده؛ مؤمنی‌راد، احمد؛ تیموری، زهره (۱۳۹۵). «حفظ حقوق زیست‌محیطی بشر در قراردادهای نفتی». *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، دوره ۵، شماره ۱۱، ص ۱۳۰-۱۱۳. DOI: 10.22059/jrels.2021.288470.304
- براتلو، فاطمه (۱۳۸۶). «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها». *مجله راهبرد*، شماره ۳۲، ص ۳۸-۲۰.
- (۲۰ فروردین ۱۴۰۲) <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1135042>
- جاوید، محمدجواد؛ شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۵). *حقوق نفت‌وگاز؛ موضوعات و تحولات جدید*. تهران، نشر مخاطب.
- حاذق‌پور، رضا؛ علومی یزدی، حمیدرضا (۱۴۰۱). «مبانی و برخی از مصادیق پذیرش عرف تجاری فراملی در حقوق ایران». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۲۴، شماره ۸۵، ص ۲۸-۱.
- (۵ تیر ۱۴۰۳) <https://jlviews2.ujsas.ac.ir/article-1-1132-fa.html>
- حمیدیان، حمید؛ رضایی، علی (۱۳۹۹). «نقد و بررسی جایگاه مسئولیت اجتماعی در چهارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری با مطالعه تطبیقی حقوق ایران، کانادا، برزیل و اتحادیه اروپا». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ص ۹۵-۵۵. DOI: 20.1001.1.22516751.1399.24.4.5.9
- امیری، سمیه (۱۳۹۶). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها». *نشریه دانشجویی راهبردهای حسابداری*، شماره ۲، ص ۳۲-۱۵.

https://accstrategysj.ut.ac.ir/article_67338.html (۱ فروردین ۱۴۰۲)

شهابی، مهدی؛ جلالی، مریم (۱۳۹۱). «تأثیرپذیری منبع قاعده حقوقی از منشأ الزام‌آوری قاعده حقوقی». *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۶، شماره ۷۷، ص ۲۵-۱.

DOI:10.22106/jlj.2012.11064

شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *اصول قراردادها و تعهدات*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر مجد.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷). *حقوق نفت‌وگاز*. تهران، نشر میزان.

صفایی، سیدحسین (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

____ (۱۳۹۹). *حقوق بین‌المللی*. انتشارات دانشگاه تهران.

طهماسبی، هامون؛ آرش؛ طهماسبی (۱۳۹۸). «شرکت‌های بین‌المللی نفتی و مسئولیت اجتماعی با نگاهی موردی به ایران». *هشتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت*، تهران، گروه پژوهشی آریانا.

DOI: IRIMC08_052

فاضلی، مرجان (۱۳۹۸). *جایگاه حقوقی اصل توسعه پایدار در قراردادهای بالادستی نفت*. رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

فضلی، هوشنگ (۱۳۹۵). «گذری بر پیشینه اقدامات اجتماعی صنعت نفت ایران (کنکاشی در مسئولیت اجتماعی شرکتی صنعت نفت)». *همایش مسئولیت اجتماعی شرکت - مسئولیت اجتماعی صنعت نفت*، ص ۳۸-۱۲.

DOI: PETROCSR01_044

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار. کاظمی نجف‌آبادی، عباس؛ بابایی، حامد (۱۳۹۶). *قراردادهای اکتشاف و تولید در صنعت نفت‌وگاز*. تهران، انتشارات شهردانش.

گلباغی ماسوله، علی (۱۳۸۹). *درآمدی بر عرف*. چاپ سوم، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی. گوود، رویام (۱۳۸۶). «عرف و پذیرش آن در حقوق بازرگانی فراملی». ترجمه حمیدرضا علومی یزدی، *مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست‌جمهوری*، شماره ۳۶، ص ۲۴۱-۲۰۱. DOI: 10.22066/cilamag.2007.17801

References

- Aaron, K. K; (2012). "New Corporate Social Responsibility Models for Oil Companies in Nigeria's Delta Region: What Challenges for Sustainability?". *Progress in Development Studies*, Vol. 12, No. 1, pp. 259-273. DOI: 10.1177/146499341201200401.
- Azadbakht, S; (2018). "Corporate Social Responsibility of Oil Companies in Iran's Law and International Law". Master's Thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz. [In Persian].
- Azam, K; (2012). "Asaluyeh in the Mirror of Abadan: From Company-Town to Oil Workers' Camps in Iran". *Goft-o-go Quarterly*, Vol. 60, pp. n/a. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/927511> (Accessed 22 March 2023) [In Persian].

- Amirkhani, H.; et al.; (2016). "Preservation of Human Environmental Rights in Oil Contracts". *Islamic Human Rights Studies Quarterly*, Vol. 5, No. 11, Fall & Winter, pp. n/a. DOI: 10.22059/jrels.2021.288470.304 [In Persian].
- Amiri, S.; (2017). "Corporate Social Responsibility". *Accounting Strategies Student Journal*, No. 2, pp. n/a. https://accstrategysj.ut.ac.ir/article_67338.html (Accessed 21 March 2023) [In Persian].
- Baratlou, F.; (2007). "Corporate Social Responsibility". *Rahbord Journal*, No. 32, pp. n/a. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1135042> (Accessed 21 March 2023) [In Persian].
- Boki, I; (2020). "The Role of Investment Laws in Strengthening Corporate Social Responsibility: Ethiopia's Investment Regime in Focus". *Journal of Law, Policy and Globalization*, No. 100, pp. n/a. DOI: 10.7176/jlpg/100-01.
- Carroll, A. B; (1999). "Corporate Social Responsibility - Evolution of a Definitional Construct". *Business and Society*, No. 38, pp. n/a. DOI: 10.1177/000765039903800303.
- Copper Mesa v. Ecuador; "PCA Case No. 2012-2, Award, 15 March 2016, P.29 including the UN Global Compact, the OECD Guidelines and the Voluntary Principles" (Accessed 12 June 2025).
- DE JESÚS, A. O.; (2012). "The Prodigious Story of the Lex Petrolea and the Rhinoceros, Philosophical Aspects of the Transnational Legal Order of the Petroleum Society". *TPLI Series on Transnational Petroleum Law*, Vol. 1, No. 1, pp. n/a.
- Donaldson, T; (1992). *The Ethics of International Business*. Oxford: Oxford University Press, pp. 136–143. DOI: 10.1007/s10551-012-1405-4.
- Duxbury, Neil; (2017). "Custom as law in English law". *Cambridge Law Journal*, Vol. 7, pp. n/a.
- Fazli, H.; (2016). "A Look at the History of Social Actions in Iran's Oil Industry (An Inquiry into Corporate Social Responsibility in the Oil Industry)". *Corporate Social Responsibility in the Oil Industry Conference*, Tehran, pp. n/a. DOI: PETROCSR01_044 [In Persian].
- Frynas, J. G; (2005). "The False Developmental Promise of Corporate Social Responsibility: Evidence from Multinational Oil Companies". *International Affairs*, No. 81, pp. 581–598. DOI: 10.1111/j.1468-2346.2005.00470.x.
- Frynas, J. G.; Wood, G; (2001). "Oil and War in Angola". *Review of African Political Economy*, No. 28, pp. 587–606. DOI: 10.1080/03056240108704568.
- Garfield, Jay. L; (2019). *The Concealed Influence of Custom*. Oxford University Press, pp. n/a.

- Goode, R.; (2007). "Custom and Its Acceptance in Transnational Commercial Law". Translated by Hamidreza Aloumi Yazdi. *Legal Journal of the Center for International Legal Affairs*, Vice Presidency for Legal Affairs and Parliamentary Affairs of the Presidency, No. 36, pp. 201–241. DOI: 10.22066/cilamag.2007.17801 [In Persian].
- Gulbrandsen, L. H.; Moe, A.; (2005). "Oil Company CSR Collaboration in 'New' Petro-States". *The Journal of Corporate Citizenship*, pp. 53–64. DOI: 10.9774/GLEAF.4700.2005.wi.00008.
- Hamidian, H.; Rezaei, A.; (2020). "Review of the Position of Corporate Social Responsibility in Investment Treaties: A Comparative Study of Iran, Canada, Brazil, and the European Union". *Comparative Legal Studies*, pp. 55–95. DOI: 20.1001.1.22516751.1399.24.4.5.9 [In Persian].
- Hazaghpour, R.; Aloumi Yazdi, H. R.; (2022). "Foundations and Some Examples of the Acceptance of Transnational Commercial Custom in Iranian Law". *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, Vol. 24, No. 85, pp. 1–28. <https://jlviews2.ujssas.ac.ir/article-1-1132-fa.html> (Accessed 26 June 2024) [In Persian].
- Idemudia, U.; (2009). "Oil Extraction and Poverty Reduction in the Niger Delta: A Crucial Examination of Partnership Initiatives". *Journal of Business Ethics*, No. 1, pp. 91–116. DOI: 10.1007/s10551-008-9916-8.
- Javid, M. J.; Shahmoradi, E.; (2016). *Oil and Gas Law: Topics and New Developments*. Tehran, Mokhtab Publishing [In Persian].
- Jones, T.; Wicks, A.; (1999). "Convergent Stakeholder Theory". *Academy of Management Review*, No. 24, pp. 206–221. DOI: 10.5465/amr.1999.1893929.
- Katouzian, N.; (2012). *General Rules of Contracts*, Vol. 3, Seventh Edition. Tehran, Sahami Enteshar Publishing [In Persian].
- Kaufman, L.; (2010). "BP Oil Spill: Company Changes Safety, Environmental Policies After Gulf Disaster". *The New York Times* (Accessed 11 June 2025).
- Kazemi Najafabadi, A.; Babaei, H.; (2017). *Exploration and Production Contracts in the Oil and Gas Industry*. Tehran, Shahr Danesh Publishing [In Persian].
- Keenan, K.; (2020). "Canada's New Corporate Responsibility Ombudsperson Falls Far Short of Its Promise". *Business and Human Rights Journal*, Vol. 5, pp. n/a. DOI: 10.1017/bhj.2019.26.
- Kurznack, L.; Schoenmaker, D.; Schramade, W.; (2021). "A model of long term value creation". *Journal of Sustainable Finance & Investment*, pp. n/a. DOI: 10.1080/20430795.2021.1920231.
- Kyuka, Adamu; (2017). *Theory and Practice of International Economic Law*. Malthouse Press, pp. n/a.
- Moréteau, Olivier; Masferrer, Aniceto; (2019). *Comparative Legal History*. Edward Elgar Publishing, pp. n/a.

- McRobert, D.; Shay, J.; (2018). "Chevron Case Signals Corporate Social Responsibility and Accountability Challenges Remain in Oil and Gas Sector". Ontario Bar Association. Available at: <https://www.academia.edu/36054119> (Accessed 12 June 2025).
- Orts, E. W; (1994–1995). "Reflexive Environmental Law". *Northwestern University Law Review*, Vol. 89, No. 4, pp. 1227–1340. Available at: <https://heinonline.org/HOL/LandingPage> (Accessed 17 May 2023).
- Rodrigo, P. D.; I. J.; Arenas, D; (2016). "Does It Really Pay to Be Good Everywhere? A First Step to Understand the Corporate Social and Financial Performance Link in Latin American Controversial Industries". *Business Ethics: A European Review*, No. 3, pp. 286–309. DOI: 10.1111/beer.12119.
- Ricupero, R; (1997). "World Investment Report: Transnational Corporations, Market Structure, and Competition Policy". *Foreign Trade Review*, Vol. 32. Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/4041717> (Accessed 24 April 2023).
- Spence, D. B; (2010). "Corporate Social Responsibility in the Oil and Gas Industry: The Importance of Reputational Risk". *Chicago-Kent Law Review*, pp. n/a. DOI: 10.15781/T21C1TG6N.
- Spence, D. B; (2011). "Corporate Social Responsibility in the Oil and Gas Industry: The Importance of Reputational Risk". *Chicago-Kent Law Review*, No. 86, pp. 59–85. DOI: 10.15781/T21C1TG6N.
- Safaei, S. H.; (2012). *International Law and International Arbitrations*. Third Edition. Tehran, Mizan Publishing [In Persian].
- Safaei, S. H.; (2020). *International Law*. First Edition. Tehran, University of Tehran Press [In Persian].
- Saljoughi, M.; (2012). *The Role of Custom in Iranian Civil Law*. First Edition. Tehran, Mizan Publishing [In Persian].
- Saleh, A. P.; (1994). *Saleh Dictionary: A Concise Dictionary of Legal, Political, Economic, and Islamic Terminology (English to Persian)*. Vol. 1. Tehran, University of Tehran Press [In Persian].
- Shahidi, M.; (2007). *Principles of Contracts and Obligations*. Vol. 2, Third Edition. Tehran, Majd Publishing [In Persian].
- Shiravi, A.; (2018). *Oil and Gas Law*. Tehran, Mizan Publishing [In Persian].
- Shaughnessy, M; (2000). "The United Nations Global Compact and the Continuing Debate About the Effectiveness of Corporate Voluntary Codes of Conduct". *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, pp. 1–16. DOI: 10.1007/s10551-016-3382-5.
- Spears, S. A; (2010). "The Quest for Policy Space in a New Generation of International Investment Agreements". *Journal of International Economic Law*, No. 14, pp. 1037–1038. DOI: 10.1093/jiel/jgq048.

- Tahmasebi, H.; Arash; (2019). "International Oil Companies and Corporate Social Responsibility: A Case Study of Iran". 8th International Management Conference, Tehran, Ariana Research Group. DOI: IRIMC08_052 [In Persian].
- Torugsa, N. A.; O'Donohue, W.; Hecker, R; (2013). "Proactive CSR: An Empirical Analysis of the Role of Its Economic, Social, and Environmental Dimensions on the Association Between Capabilities and Performance". *Journal of Business Ethics*, No. 115, pp. 383–402.
- Tulder, R. v.; Zwart, A. v; (2006). *International Business Society Management: Linking Corporate Responsibility and Globalization*. Vol. 18, Issue 1, pp. 126–135.
- United Nations; (2011). *Guiding Principles on Business and Human Rights*. OHCHR (Accessed 11 June 2025).
- Wellink, K; (2014). *The Social Responsibility of Financial Institutions: Towards a New Culture*. Speech presented at the Duisenberg School of Finance, Amsterdam, 2014 (Accessed 11 June 2025).
- Winibaldus S. Mere; (2020). "Recent Trend Toward a Balanced Business and Human Rights Responsibility in Investment Treaties and Arbitrations". *Revista Internacional de Direitos Humanos e Empresas*, No. 4, pp. n/a.